

پژوهشی در انتساب چند اثر جدید انتشار به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی، محدّث شناخته شده شیعی

حمید باقری*

چکیده

ابومحمد حسن بن شعبه حرّانی، محدّث شیعی سده چهارم هجری است که اطلاعات کمی در باره وی وجود دارد. کهن ترین منبعی که از وی نام برده، به سده دهم هجری بازمی گردد. آشنایی بیشتر عالمان شیعی با وی، بیش از همه مرهون دست یابی و جاده ای علامه مجلسی و شیخ حرّعاملی به کتاب مشهور *تحف العقول* او است که به سبب تألیف همین اثر مورد تمجید عالمان متأخر امامی قرار گرفته است. در میان میراث مکتوب مذهب نصیریّه، علاوه بر این دو کتاب، چند اثر منسوب دیگر نیز از این شعبه در دست است: *حقائق أسرار الدین*، *رسالة موضحة و مسائل*. این آثار کاملاً در فضای فکری نصیریّه تألیف شده و به لحاظ سبک نگارش با *تحف العقول* فاصله دارند. در صورت اثبات درستی انتساب این آثار به ابن شعبه، بخش قابل توجهی از اطلاعات ما در باره او اصلاح و حتی تکمیل می شود. این مقاله تلاش دارد تا با پیگیری شواهد مختلف، انتساب این آثار به ابن شعبه را بررسی نماید.

کلید واژه ها: حسن بن شعبه حرّانی، تألیفات، حقائق أسرار الدین، رسالة موضحة حقائق أسرار الدین، مسائل لابن شعبه الحرّانی، نصیریّه.

مقدمه

بنا بر نظر مشهور شرح حال نگاران امامی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی محدّث شیعی است که در حدود سده چهارم هجری می زیسته است. با این همه، او

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (Bagheri.h@ut.ac.ir).

از آن دست عالمان شیعی است که اطلاعات اندکی در باره وی دانسته است. از جمله آن که، از تاریخ ولادت و وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست.^۱ اطلاعات اندک در باره ابن شعبه حرّانی سبب شده است تا عالم متبّع و برجسته معاصر، محدّث نوری در باره وی چنین اظهار نظر کند:

من تاکنون طبقه صاحب تحف العقول را به دست نیاورده‌ام.^۲

قدیم‌ترین آگاهی‌های موجود از او در منابع امامیه، از سده دهم هجری است. ظاهراً عالم شناخته شده امامی شیخ ابراهیم قطفی، معاصر محقق کرکی (م ۹۴۰ق)، نخستین عالمی است که در اثر خود، الوافیة فی الفرقة الناجیة (نگاشته در سال ۹۴۵ق) از ابن شعبه حرّانی نام برده است. او در این کتاب، حدیثی از امام علی علیه السلام را از کتاب التمهیص نقل کرده و این اثر را به ابن شعبه نسبت داده است:

حدیث نخست، روایتی است که دانشمند فاضل عامل فقیه و هوشیار ابو محمد حسن ابن علی بن شعبه حرّانی در کتاب خود به نام التمهیص از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود...^۳

پس از دست یابی عالمان شیعه در عصر صفوی به کتاب تحف العقول حسن بن شعبه حرّانی، نام وی و اثرش شهرت فراوانی در سنت علمی امامیه یافت تا آن جا که دو عالم حدیث شناس برجسته شیعی، شیخ حرعاملی (م ۱۱۰۴ق) و علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) با پذیرش انتساب کتاب تحف العقول به وی، از آن در زمره منابع حدیثی خود در نقل احادیث بهره‌های بسیاری جستند. از آن زمان به این سو، ابن شعبه حرّانی در میان عالمان امامی شهرت یافت؛ به گونه‌ای که همه شرح حال نگاران متأخر، او را در زمره عالمان ثقه و مورد اعتماد امامی قرن چهارم و معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) و از استادان شیخ مفید (م ۴۱۳ق) معرفی کرده‌اند؛^۴ اما سید محسن امین بر این باور است که هر چند شیخ مفید از

۱. هر چند نمازی شاهرودی، بدون ارائه مدرک و شاهدی، تاریخ وفات وی را حدود ۳۲۳ق، گزارش کرده است

(مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۴۹۶).

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳. الوافیة فی تعیین الفرقة الناجیة، ص ۱۷۰.

۴. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۱۲۵، ۱۵۶؛ أمل الآمل، ج ۲، ص ۷۴.

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۹، ۱۰.

۶. أمل الآمل، ج ۲، ص ۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰، ۲۹؛ الطریق إلى الله، ص ۱۲۶؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱،

ابن شعبه روایت کرده است، اما دلیلی بر این که وی از مشایخ مفید بوده وجود ندارد.^۷ در میان استادان روایت وی تنها به ابوعلی محمد بن ابی بکر همام بن سهیل اسکافی (۲۵۸ - ۳۳۶ ق)^۸ اشاره شده است،^۹ که بنا بر یک نقل اجازه‌ای نیز از او داشته است.^{۱۰} بدین ترتیب، از میان استادان و شاگردان وی، هر کدام، تنها یک تن شناخته شده است؛ از میان مشایخ وی محمد بن همام اسکافی و در زمره شاگردان او شیخ مفید. در این جا این پرسش در ذهن نقش می‌بندد که چگونه ممکن است عالم و محدّثی در رتبه استادان شیخ مفید در حدود شش قرن ناشناخته باقی مانده باشد.

ظاهراً مستندی که بر پایه آن شیخ مفید را از شاگردان ابن شعبه حرانی دانسته‌اند، حدیثی است که در کتاب *الإختصاص* روایت شده است.^{۱۱} به باور برخی، منبع مؤلف *الإختصاص* در این نقل کتاب *تحف العقول* بوده است.^{۱۲} روایت‌گری شیخ مفید از ابن شعبه حرّانی از دو جهت مورد تردید است: نخست، آن که به یقین دانسته نیست که منبع مؤلف *الإختصاص* در نقل این حدیث کتاب *تحف العقول* بوده باشد. متن این حدیث مشتمل بر پرسش‌های نه‌گانه‌ای است که یحیی بن اکثم با یکی از فرزندان امام جواد علیه السلام به نام موسی مطرح کرده و وی نیز پاسخ آنها را از برادرش امام هادی علیه السلام پرسش کرده است.^{۱۳} وجود برخی اختلافات میان نقل *الإختصاص* و تحریر *تحف العقول* از متن این حدیث، احتمال اخذ اولی از دیگری را مخدوش می‌نماید. نظریه وجود این اختلافات، محتمل‌تر آن است که مؤلف

- ۲۴۴؛ *روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات*، ج ۲، ص ۲۸۹؛ *تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام*، ص ۴۱۳؛ *أعيان الشيعة*، ج ۵، ص ۱۸۵ - ۱۸۶؛ *الذريعة*، ج ۳، ص ۴۰۰؛ *طبقات أعلام الشيعة*، ج ۱، ص ۹۳.
۷. *أعيان الشيعة*، ج ۵، ص ۱۸۵.
۸. وی محمد بن ابی بکر همام به سهیل کاتب اسکافی است که نجاشی و شیخ طوسی او را از بزرگان متقدمان امامی - که منزلت والایی در میان ایشان داشته - معرفی کرده‌اند. *رجال النجاشی*، ص ۳۷۹، ش ۱۰۳۲؛ *رجال الطوسی*، ص ۴۳۸، ش ۶۲۷۰؛ *الفهرست*، ص ۴۰۲.
۹. *تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام*، ص ۴۱۴؛ *أعيان الشيعة*، ج ۵، ص ۱۸۵؛ *الذريعة*، ج ۳، ص ۴۰۰؛ *طبقات أعلام الشيعة*، ج ۱، ص ۹۳.
۱۰. *مفاخر اسلام*، ج ۳، ص ۴۶.
۱۱. *الإختصاص*، ص ۹۱ - ۹۶.
۱۲. برای این روایت، رک: *تحف العقول*، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۷۶ - ۴۸۱. بنا بر یک نظر، منبع شیخ مفید در نقل حدیث غدیر نیز کتاب *تحف العقول* بوده است (رک: *تحف العقول*، ۱۹۶۹ م، ص ۵ - ۷). نیز رک: Friedman, p. 38, note 140.
- مماقانی نیز به طور کلی به نقل شیخ مفید از کتاب *تحف العقول* ابن شعبه حرّانی در آثارش اشاره کرده است (تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲۰، ص ۱۱۲).
۱۳. *تحف العقول*، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۷۶ - ۴۸۱؛ *الإختصاص*، ص ۹۱ - ۹۶.

الإختصاص این حدیث را از منبعی جز تحف العقول گرفته است.^{۱۴} تردید پراهمیت تردیگر، تشکیک در درستی انتساب کتاب الإختصاص به شیخ مفید است. از آن جا که مطالب کتاب پراکنده است و موضوعات مطرح شده در آن سیر منطقی و منسجمی ندارد، در باره انتساب آن به شیخ مفید مباحث فراوانی میان کتاب شناسان و محققان درگرفته است؛ برخی به همین دلیل، منکرانتساب این کتاب به شیخ مفید شده اند.^{۱۵} بدین ترتیب، این مسأله که شیخ مفید از شاگردان ابن شعبه حرّانی بوده، امری غیرمحتمل است.

چنان که روشن است، در میان امامیه دو اثر به ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی منسوب است: تحف العقول و التمهیحص، که تردیدهایی در درستی انتساب کتاب اخیر به ابن شعبه وجود دارد.^{۱۶} علاوه بر این دو کتاب، در سال های اخیر، چند اثر دیگر نیز با انتساب به وی چاپ شده است: کتاب حقائق أسرار الدین، رسالة موضحة حقائق أسرار الدین و مسائل لأبی محمد الحسن بن شعبه الحرّانی.

سه اثر اخیر به میراث فکری نصیری^{۱۷} اختصاص دارد و به همین سبب در مجموعه «سلسلة التراث العلوی» به همت دو شخصیت به احتمال فراوان نصیری به نام های شیخ

۱۴. احتمال این که مؤلف کتاب الإختصاص تحریر تحف العقول را به شکل نقل به معنا روایت کرده باشد نیز به سبب

نقل از منبع مکتوب دور از ذهن است؛ چنان که وقوع چنین عملی از سوی شیخ مفید بعید ترمی نماید.

۱۵. در این باره رک: «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، ص ۱۹۲ - ۲۲۵؛ «بررسی اسناد کتاب اختصاص»، ص ۲۲۶ -

۲۷۱. از شیخ آقابزرگ تهرانی می توان در زمره طرفداران نظریه درستی انتساب کتاب به شیخ مفید یاد کرد که آن را عیناً

همان کتاب العیون و المحاسن شیخ مفید می داند (رک: الذریعة، ج ۱، ص ۳۵۸ - ۳۶۰، ش ۱۸۹۰).

۱۶. گروهی از عالمان آن را اثر ابوعلی محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ ق) می دانند (رک: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷؛

روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، ج ۶، ص ۱۵۱؛ التمهیحص، مقدمه تحقیق، ص ۱۱. موحدی ابطحی در

مقدمه التمهیحص با نقد ادله کسانی که کتاب را از آن ابن شعبه حرّانی می دانند و تقویت دلایل مجلسی و دیگران،

کتاب را به ابن همام اسکافی نسبت داده است (التمهیحص، مقدمه تحقیق، ص ۱۱ - ۱۴).

۱۷. نصیری / نصیری «فرقه ای نام گرفته از ابو شعیب محمد بن نصیر فهری نصیری که در زمان حیات امام هادی علیه السلام ادعا

کرد که آن حضرت خدا است و او را به پیامبری مبعوث نموده است. او به حلول، تناسخ و اباحه محارم اعتقاد

داشت. به نوشته شیخ طوسی، او پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ادعا کرد که باب امام زمان - عجل الله

تعالی فرجه - است و با جهل و الحادی که از او بروز یافت، مورد لعن دومین نایب خاص امام زمان، یعنی ابو جعفر

محمد بن عثمان قرار گرفت. نصیری، در حقیقت، تنها جریان باقی مانده از غلات عراق است که در دوران غیبت

صغرا شکل گرفت؛ هر چند تلفیقی از سنت جریان های مختلف غلات پیشین و حتی متأثر از باورهای غیراسلامی

است (رک: المقالات و الفترق، ص ۱۰۰ - ۱۰۱؛ فیرق الشیعة، ص ۹۳ - ۹۴؛ الغیبة، ص ۳۹۸). در برخی متون نصیری، از

این فرقه به «الخصیبة الشعیبیه» نیز یاد شده است (رک: الحاوی، ص ۷۴).

موسی و ابوموسی^{۱۸} نشر یافته است. هر چند محققان این مجموعه بحثی در باره تاریخچه و نسخه‌های آثار ابن شعبه حرانی ارائه نمی‌کنند، اما شواهد حکایت از آن دارد که دست کم برخی از این‌ها - اگر نگوییم همه - در سنت نصیریان شناخته شده و قدمتی طولانی داشته است.

انتساب این آثار به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرانی مسأله پراهمیتی است که این نوشتار به دنبال بررسی آن است. اهمیت این مسأله در آن است که در صورت اثبات هر یک از این آثار برای وی، منابعی حایز اهمیت در شناسایی مؤلف و باورهای اعتقادی وی به دست خواهد آمد. این موضوع در باره سه اثر اخیر اهمیتی دو چندان می‌یابد؛ چه آن که حکایت‌گریوند ابن شعبه حرانی به سنت فکری نصیری خواهد بود.

بررسی درستی آثار منسوب به وی

علی بن حمزة حرانی،^{۱۹} یکی از افراد خاندان ابن شعبه حرانی، در بحث از آغاز آفرینش و صورت بندی آن در کتاب خود، حُجَّة العارف به روایتی اشاره دارد که حسن بن علی بن شعبه حرانی در آثار خود نقل کرده است:

وقد وردت روایاتٌ کثیرةٌ غیرما شرحناه ذکرها أبو محمد الحسن بن علی بن شعبه الحرانی - رضی الله عنه - فی مصتَفاته.^{۲۰}

این عبارت، به روشنی گواه آن است که حسن بن علی بن شعبه دارای آثار متعددی جز تحف العقول بوده است. شاید آن چه امروزه در «سلسله التراث العلوی» با انتساب به ابن شعبه حرانی در اختیار است، همان‌هایی باشد که در سخن علی بن حمزة حرانی بدان‌ها

۱۸. احتمالاً دو نام مستعار است. از میان نویسندگان نصیری فردی به نام ابوموسی حریری نگارنده کتاب العلویون النصیریون (بیروت، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م) شناخته شده است.

۱۹. وی علی بن حمزة بن علی بن شعبه حرانی است. احتمالاً وی برادرزاده حسن بن علی بن شعبه بوده است (Friedman, p.46). او اثری تحت عنوان حُجَّة العارف فی إثبات الحَقِّ علی المَباین والمُخالف دارد که در مجموعه «سلسله التراث العلوی» (ج ۴، ص ۲۴۰-۲۸۵) چاپ شده است. او نسخه‌ای از این کتاب را در ربیع الآخر سال ۴۰۸ق، برای کتابخانه امیر ابوالحسن علی بن جعفر استنساخ کرد: «و هو مما نسخه لخازنه الأمير السید اَبی الحسن علی بن جعفر... و ذلك فی شهر ربیع الآخر سنة ثمان وأربعمائة» (رک: سلسله التراث العلوی، ج ۴، ص ۲۳۹). به نظر، عبارت «لخازنه الأمير» اشتباه چاپی بوده و «لخازنه الأمير» درست باشد. بنا بر این، او در اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم می‌زیسته است که به لحاظ زمانی به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرانی (زنده در سده چهارم) نزدیک بوده است.

۲۰. حجة العارف، ص ۲۷۲.

اشاره شده است. در این جا ضمن معرفی هریک از این آثار، درستی انتساب آنها به ابن شعبه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. حقائق أسرار الدین

حقائق أسرار الدین عنوان کتابی است که برای نخستین بار در مجموعه «سلسله التراث العلوی» در سال ۲۰۰۶ میلادی با انتساب به حسن بن علی بن شعبه حرانی نشر یافته است.^{۲۱} ظاهراً حقائق أسرار الدین از مهم ترین کتاب هایی است که منظومه اعتقادات و اصول دین نصیری ها را - که خود از آن به «الفقه الأكبر» تعبیر می کنند - تبیین می نماید.^{۲۲} این اثر - که به گفته علی بن حمزة حرانی کتاب معروفی در میان نصیرییه بوده^{۲۳} - مشتمل بر یک مقدمه و سیزده باب است و هریک از آنها، مشتمل بر مطالبی است که مؤلف در لا به لای آنها احادیث فراوانی از ائمه علیهم السلام، گاه مُسند و گاه بدون ذکر سلسله سند، نقل کرده است. عناوین ابواب کتاب، برآمده از محتوا و مدلول احادیث همان باب و تا حدود بسیاری بیانگر اصول اعتقادی مؤلف آن است.^{۲۴} باورهایی که در این کتاب با استناد به احادیث بازتاب یافته کاملاً با اعتقادات رایج و سنت رسمی امامیه متفاوت است و بیش از همه با عقاید فرقه نصیرییه همخوانی دارد و بیانگر آنها است؛ به گونه ای که به یقین می توان مؤلف آن را از پیروان این مذهب قلمداد کرد.^{۲۵}

افزون بر محتوای کتاب، نقل قول فراوان از آثار و بزرگان فرقه نصیرییه، همچون حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ ق)^{۲۶} و کتاب الرسالة وی،^{۲۷} کتاب المثلث والصورة محمد بن نصیر نمیری^{۲۸} و نیز متون شناخته شده در میان این فرقه، همچون کتاب الهفت و

21. Catafago, p. 524, item 9.

۲۲. رک: <http://3lawi.ahlamontada.org/t308-topic> (January 02, 2015)

۲۳. حجة العارف، ص ۲۶۹.

۲۴. شبیه این روش عنوان گذاری ابواب را می توان در عناوین ابواب کتاب وسائل الشیعة شیخ حر عاملی مشاهده کرد؛ به گونه ای که عناوین ابواب این جامع فقهی - حدیثی، آرای فقهی مؤلف آن است.

۲۵. جالب توجه، آن که مؤلف فصلی را به لزوم تقیه اختصاص داده و در آن جا از کتاب المرشد فی لزوم التقیه ظاهراً اثر ابو اللیث محمود الشاشی احادیثی را نقل کرده است (رک: حقائق أسرار الدین، ص ۱۴۵-۱۴۶). در منابع مختلف هیچ اطلاعی درباره این اثر یا مؤلف آن نیافتیم.

۲۶. برای نمونه، رک: همان، ص ۴۷، ۷۱، ۸۲، ۹۰، ۱۰۱، ۱۱۴.

۲۷. حرانی این کتاب را بر مؤلف قرائت کرده است (همان، ص ۱۱۴).

۲۸. برای نمونه، رک: همان، ص ۲۳، ۴۲، ۷۷، ۹۵، ۹۸.

الأظلة^{۲۹} و کتاب الأسوس^{۳۰} هر دو منسوب به مُفضَّل بن عُمر جَعْفی، کتاب الدستور^{۳۱} از مؤلفی ناشناخته، کتاب الصراط^{۳۲} و کتاب باطن التکلیف^{۳۳} هر دو از اسحاق بن محمد الأحمر و کتاب الكرسي^{۳۴} از ابو عبدالله محمد بن یعقوب مدائنی تعلق مؤلف به این فرقه را نشان می‌دهد.

از مقدمه کتاب چنین استفاده می‌شود که مؤلف آن را در اواخر عمر خود تألیف کرده است؛ زمانی که خود را از آن چه حق می‌پنداشت، دور دیده و دستان خود را از مراتب رستگاران (پیروان نصیریه) کوتاه می‌دید، با هدف دوری از جایگاه شیعیان مقصره آن را تدوین کرد:

ولما رأيتُ مُدَّةَ عَمْرِي تَقَدَّمَتْ، وَأَيَّامِي قَدْ تَقَصَّصَتْ، وَطَوَالَ الْأَمَالَ قَدْ قَصُرَتْ، وَعِلْمْتُ أَنْ الْمَنِيَّةَ قَدْ دَنَّتْ، وَالنَّقْلَةَ قَدْ قَرَّبْتُ... فَوَجَدْتُ^{۳۵} عَنِ الْغَايَةِ مَقْصَرًا، وَعَنْ دَرَجَاتِ أَهْلِ السَّبِقِ مَتَأَخَّرًا... وَحُزْنًا عَلَى تَقْصِيرِي عَنِ مَرَاتِبِ الْفَائِزِينَ.^{۳۶}

بر اساس آن چه مؤلف در ادامه مقدمه این اثر نوشته، می‌توان حدس زد که وی کتابخانه‌ای مشتمل بر شمار قابل توجهی از کتب در اختیار داشته است: شامل یکصد و پنجاه کتاب باطن از موحدون (نصیریه)، دویست و پنجاه کتاب، در مجموع، از دیگر گروه‌های باطنی و غالی شیعی (یعنی مخمسه و مقوضه)، مقصره و کتب ظاهر.^{۳۷} موارد معتناهی از آثاری که مورد استفاده مؤلف حقائق أسرار الدین قرار گرفته و نقل‌هایی از آنها آمده است، مانند آثار اسحاق احمر، امروزه در دسترس نیستند. از این رو، کتاب حقائق

۲۹. برای نمونه رک: همان، ص ۱۷، ۴۵، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۱۴۷.

۳۰. برای نمونه رک: همان، ص ۱۵، ۴۰، ۶۰.

۳۱. برای نمونه رک: همان، ص ۵۵.

۳۲. برای نمونه رک: همان، ص ۲۳، ۴۰، ۴۲، ۵۳، ۱۰۸.

۳۳. برای نمونه رک: همان، ص ۳۶، ۴۹، ۱۱۲، ۱۱۳.

۳۴. برای نمونه رک: همان، ص ۸۰.

۳۵. دانسته است که در دستور زبان عربی، چنان چه فاعل و مفعول به افعال قلوب هر دو ضمیر متکلم باشند، به صورت متصل به فعل، به همراه «ن» و قایه به کار روند؛ مانند این جمله شریف امام علی عليه السلام در وصیت به امام حسن مجتبی عليه السلام که «أَيُّ بُنَى! إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُنِي قَدْ بَلَغْتُ سِنًا - وَرَأَيْتُنِي أَزْدَادُ وَهِنًا - بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ برخلاف سایر افعال که در چنین مواردی، مفعول به همواره به همراه واژه «نفس» به کار می‌رود؛ مانند عبارت «ظلمت نفسي».

۳۶. حقائق أسرار الدین، ص ۱۱ - ۱۲.

۳۷. همان، ص ۱۲.

ارزش کتابشناختی بسزایی یافته و منبعی مهم در بازایی مطالب آن آثار به شمار می‌رود. عدم اشاره به کتاب *حقائق أسرار الدین* در منابع شرح حالی از یک سو^{۳۸} و فقدان وجود طریق متصل به آن از سوی دیگر، تعیین دقیق نام مؤلف را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد. نظر به نقل قول‌های فراوان مستقیم از ابو عبدالله حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ ق) در این کتاب^{۳۹} و نیز نقل حدیثی غیرمؤسند از *الكافی* محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق)^{۴۰} مؤلف آن احتمالاً در سده چهارم هجری یا پس از آن زندگی می‌کرده است. بنا بر این، اثر حاضر، کتابی جز *حقائق أسرار الدین* است که خصیبی در *الهدایة الکبری* به یونس به ظبیان نسبت داده است.^{۴۱} ضیایی، پس از آن که کتاب *حقائق أسرار الدین* را به یونس بن ظبیان نسبت داده،^{۴۲} از اثری تحت عنوان *حقائق أسرار الدین* به روایت محمد بن شعبه حرّانی نیز یاد کرده و احتمال داده است که این اثر همان *رسالة موضحة حقائق الأسرار لمن يستيقظ من الأبرار* محمد بن شعبه حرّانی است.^{۴۳} در ادامه خواهیم گفت که *رسالة موضحة* اثری متمایز و مستقل از *حقائق أسرار الدین* است، بدین سان می‌توان در درستی فرضیه ضیایی تردید کرد.

وجود برخی شواهد و قرینه‌های، انتساب نگارش این اثر به ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی را تقویت می‌نماید. نخستین نشانه، نقل بی‌واسطه حدیث از محمد بن همّام است. بسامد این احادیث تا بدان حد است که کمتر بایی از ابواب کتاب را می‌توان یافت که حدیثی از وی نقل نشده باشد.^{۴۴} چنان که پیش‌تر گذشت، محمد بن همّام، دست کم در سنت امامی، از جمله استادان روایت ابن شعبه حرّانی به شمار رفته است. شاهد و مؤید دیگر آن که نقل بی‌واسطه حدیث و اسلوب‌های تحدیث به خوبی نشان از آن دارد که نگارنده کتاب از شاگردان حسین بن حمدان خصیبی بوده است. شوقی حداد، محقق

۳۸. عدم اشاره شرح حال نگاران به ویژه عالمان شیعی به عنوان این کتاب، به دلیل ماهیت سری این آثار و در حاشیه بودن جریان مذهبی نصیریه طبیعی است.

۳۹. برای نمونه رک: همان، ص ۴۷، ۷۱، ۸۲، ۹۰، ۱۰۱ و موارد دیگر.

۴۰. همان، ص ۱۳۱. برای این حدیث، رک: *الكافی*، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹، ح ۱۶. متن حدیث در کتاب *حقائق اندکی* متفاوت از نسخه موجود *الكافی* نقل شده است.

۴۱. *الهدایة الکبری*، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۷۲. نیز رک: *مذاهب الإسلامیین*، ص ۱۱۷۲.

۴۲. *فهرس مصادر الفرق الاسلامیة*، ج ۱، ص ۸۷.

۴۳. همان، ج ۱، ص ۸۸.

۴۴. برای نمونه رک: *حقائق أسرار الدین*، ص ۱۷، ۹۱، ۹۴، ۱۰۷، ۱۲۵.

کتاب *الهدایة الكبرى خصیبي*، به هنگام یادکرد شاگردان خصیبي، از ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی نام برده و آن را به *الرسالة المصرية* مستند کرده است.^{۴۵} شیخ محمود صالح نیز ابو محمد حسن بن شعبه حرّانی را از عالمان و فقیهان متقدم نُصیری بر شمرده است.^{۴۶}

نشانه روشن دیگر در این باره سخن حمزة بن علی بن شعبه حرّانی^{۴۷} مؤلف کتاب *حُجَّة العارف فی إثبات العدل علی المَباین والمُخالف* (نگاشته در ربیع الأول سال ۴۰۸ ق) است. او که در این کتاب، احادیثی را از *حَقَائِقُ أَسْرَارِ الدین* نقل کرده در مواردی به صراحت، آن را به حسن بن علی بن شعبه حرّانی نسبت داده است؛ از جمله آن که در باب نهم کتاب در باره عقاید تقلیدی در خصوص آغاز خلقت و چگونگی صورت بندی آن، مطالبی شامل دو جدول از کتاب *حَقَائِقُ أَسْرَارِ الدین* با انتساب به ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی نقل کرده است^{۴۸} که به تمامی در کتاب *حَقَائِقُ* دیده می شود.^{۴۹} نمونه دیگر، آن که علی بن حمزة در بحث از خلقت جسم انسان ها از خاک، سخنی را از ابو محمد حسن بن علی بن شعبه در کتاب *حَقَائِقُ أَسْرَارِ الدین* نقل کرده است تا آن چه را خود گفته تأیید نماید.^{۵۰}

از سوی دیگر، تعبیری هم چون «شَرَفَ اللهُ مقامه»، «رضی اللهُ عنه»، «قَدَّسه اللهُ» و «نَصَّرَ اللهُ وجهه»^{۵۱} - که علی بن حمزة در کتاب *حجة العارف* (تألیف پیش از ۴۰۸ ق) در باره حسن بن علی بن شعبه به کار برده - حاکی از آن است که حسن بن علی بن شعبه پیش از ۴۰۸ ق، دارفانی را وداع گفته بود. بدین ترتیب، مؤلف کتاب *حَقَائِقُ أَسْرَارِ الدین* در حدود سال های ۴۳۶ - ۴۰۸ ق، در قید حیات بوده است. این فاصله زمانی با آن چه از حسن بن علی بن شعبه در منابع شرح حالی امامی دانسته، سازگار است.

نکته ای که در این میان حایز اهمیت است، مسأله اصالت کتاب *حجة العارف* حمزة بن علی بن شعبه حرّانی است. بر اساس شواهد و گزارش های تاریخی، وجود حمزة بن علی از جمله افراد خاندان مشهور بنو شعبه حرّانی - که ظاهراً همه یا دست کم بیشتر افراد این

۴۵. *الهدایة الكبرى*، تحقیق: شوقی حداد، ص ۴۴؛ نیز رک: *العلویون تاریخاً و مذهباً*، ص ۳۰۱.

۴۶. *العلویون بین الأسطورة والحقیقة*، ص ۱۵۴.

۴۷. فریدمن احتمال داده است که وی برادرزاده حسن بن علی بن شعبه حرّانی بوده است (رک: Friedman, p. 46).

۴۸. *حجة العارف*، ص ۲۷۴ - ۲۷۶؛ برای موارد دیگر، رک: همان، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۲.

۴۹. *حَقَائِقُ أَسْرَارِ الدین*، ص ۸۸ - ۸۹.

۵۰. *حجة العارف*، ص ۲۷۳؛ برای موارد دیگر، رک: همان، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۸۲.

۵۱. برای این تعبیر به ترتیب، رک: همان، ص ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۸۲.

خاندان از نُصیری‌ها بوده‌اند - دانسته است.^{۵۲} آن چه شایسته تحقیق است، انتساب کتاب مزبور به او است. برخی محققان، به صراحت، کتاب *حجة العارف* را به حمزة بن علی بن شعبة حُرّانی نسبت داده‌اند.^{۵۳} نسخه‌هایی از آن نیز با همین انتساب در کتابخانه ملی پاریس موجود است.^{۵۴} البته باید اذعان داشت که مؤلف کتاب هر که باشد، تعلق اثر به نُصیری‌ها از مطالب آن روشن و مبرهن است تا آن جا که مطالعه آن تردیدی در این که از متون نُصیری است، باقی نمی‌گذارد.

۲. رساله موضحة حقائق أسرار الدین

این رساله کوچک، شرح و تعلیقه‌ای بر *الرسالة الرستباشیة*^{۵۵} حسین بن حمدان خصیبی است. مؤلف این رساله را در پاسخ به درخواست عده‌ای از معاصرانش نوشته است^{۵۶} که نشان‌گر جایگاه بالای علمی نویسنده در عصر خود است. عبارت دیگری در این اثر نشان می‌دهد که مؤلف، نسخه اصل *الرسالة الرستباشیة* خصیبی را به اجازه شیخ ابوالحسین محمد بن علی جلی در اختیار داشته است.^{۵۷}

هیچ نشانی از این اثر در کتب تراجم وجود ندارد. محققان مجموعه *سلسلة التراث العلوی* بی آن که دلیل یا نشانه‌ای ارائه دهند، تألیف این رساله را به ابو محمد حسن بن علی بن شعبة حُرّانی نسبت داده‌اند.^{۵۸} ضیایی نیز از این اثر در زمره آثار ابو محمد حسن بن شعبة حُرّانی یاد کرده است.^{۵۹} در متن این اثر نام بزرگانی از نُصیری‌ها دیده می‌شود که در تاریخ‌گذاری کتاب قابل توجه است:

۱. ابو عبدالله حسین بن حمدان خصیبی؛ مؤلف در باره وی از تعبیر «سیدنا» استفاده

۵۲. در این باره رک: Friedman, p. 45-47.

۵۳. فهرس مصادر الفرق الإسلامية، ج ۱، ص ۸۸؛ *الفرقة الهامشیة فی الإسلام*، ص ۱۵۴؛ Catafago, no. 4. لویی ماسینیون ماسینیون این اثر را به پدر علی بن حمزة بن علی بن شعبة حُرّانی نسبت داده است (رک: Massignon, no. 61).

۵۴. بخشی از این اثر (ص ۲۵۶ - ۲۵۷ در نسخه چاپی) در نسخه خطی کتابخانه پاریس به شماره ۱۴۵۰، برگ‌های ۵۱ ب - ۵۳ الف موجود است.

۵۵. عنوان دقیق کتاب، *الرسالة الرستباشیة* است که واژه «الرستباشیة» مشتق و معرب شده از عبارت فارسی «راست باش» است.

۵۶. رساله موضحة، ص ۱۸۱.

۵۷. همان، ص ۱۸۲.

۵۸. همان، ص ۱۸۱.

۵۹. فهرس مصادر الفرق الإسلامية، ج ۱، ص ۸۸.

کرده و عبارت «شرف الله مقامه»^{۶۰} نشان‌گر آن است که اثر، پس از مرگ خصیبی تألیف شده است. نکته حایز اهمیت، آن که مؤلف از خصیبی در یک جا با عبارت «قال سیدنا...» سخنی را نقل کرده و در جای دیگر، حدیثی را با دو واسطه («میمون بن قاسم طبرانی < محمد بن علی جلی < حسین بن حمدان خصیبی») از او روایت کرده است. نقل مؤلف رساله موضحة از خصیبی به واسطه دو راوی با ملاقات حسن بن علی بن شعبه حرانی با خصیبی^{۶۱} و نقل‌های مستقیم یا تعابیری مانند «حدثنی» و «أخبرنی» از هم‌در کتاب حقائق اسرارالدین^{۶۲} در تناقض آشکار است. بر همین اساس، می‌توان گفت که مؤلف رساله موضحة کسی جز حسن بن علی بن شعبه حرانی است.

۲. ابو حسین محمد بن علی جلی؛ مؤلف او را با تعبیر «الشیخ الثقة» وصف کرده و قصیده‌ای را از او نقل کرده است.^{۶۳} تعبیر «قدس الله روحه»^{۶۴} و «نصر الله وجهه»^{۶۵} نیز دلالت دارد که کتاب پس از وفات او نگاشته شده است. بنا بر برخی گزارش‌ها، محمد بن علی جلی در سال‌های ۳۹۷^{۶۶} و ۳۹۹ ق،^{۶۷} در حلب بوده است، اما برونو پائولی، بدون اشاره به منبع خود، تاریخ وفات او را سال ۱۰۰۷ م (۳۹۸ - ۳۹۹ ق) یا ۱۰۰۹ م (۳۹۹ - ۴۰۰ ق) ذکر کرده است.^{۶۸}

۳. ابوالحسن علی بن بطیطة؛ وی از شاگردان خصیبی و شاهد شهادت او بوده است.^{۶۹} مؤلف رساله موضحة ابیاتی از قصیده وی را نقل کرده و از او با تعبیر «قدس الله روحه» یاد نموده است.^{۷۰} این عبارت نیز بر این نکته اشاره دارد که کتاب پس از وفات او نگاشته شده است.

۴. ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی؛ مؤلف کتاب، حدیثی از امام صادق علیه السلام را از ابو

۶۰. رساله موضحة، ص ۱۸۱، ۱۸۲.

۶۱. حرانی در مواردی بر ملاقات با خصیبی تصریح دارد (حقائق اسرارالدین، ص ۱۱۴، ۱۵۱).

۶۲. همان، ص ۷۱، ۸۲، ۹۰، ۱۰۱.

۶۳. رساله موضحة، ص ۱۸۳.

۶۴. همان، ص ۱۸۲.

۶۵. همان، ص ۱۸۳.

۶۶. همان، ص ۱۸۴.

۶۷. دیلمی، ص ۱۵۸.

68. Paoli, p. 22.

۶۹. الهدایة الكبرى، مقدمه تحقیق، ص ۵.

۷۰. رساله موضحة، ص ۱۸۲.

سعید طبرانی در تأیید دیدگاه خود روایت کرده است. تعبیر «ما رواه» در ابتدای این نقل قول می‌تواند بر این نکته دلالت داشته باشد که مؤلف حدیث را بی‌واسطه از طبرانی دریافت نکرده است:

... و تَوَكَّدَهُ ما رواه الشيخ أبو سعيد ميمون بن القاسم الطبراني - قدس الله روحه - قال: حَدَّثَنِي الشيخ الثقة أبو الحسين محمد بن علي الجلي - نصر الله وجهه - وذلك مجلب سنة سبع وتسعين وثلاثمائة، قال: حَدَّثَنِي شَيْخِي وَالوَالِدِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمْدَانَ الْخَصِيبِيِّ - شَرَّفَ اللَّهُ مَقَامَهُ -، عَنْ عَمِّهِ أَحْمَدَ بْنِ الْخَصِيبِ، عَنْ يَتِيمِ دِينَ اللَّهِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبِ يَرْفَعُهُ إِلَى فِرَاتٍ بْنِ أَحْنَفٍ قَالَ: ...^{۷۱}

این گزارش و نقل قول در متن رساله در تاریخ‌گذاری نگارش آن بسیار حایز اهمیت و کارآمد است. دانسته است که ابو سعید میمون بن قاسم طبرانی، صاحب کتاب مجموع الأعیاد، از عالمان شناخته شده نصیری در حدود سال‌های ۳۶۰ - ۳۷۰ متولد و در ۴۲۶ یا ۴۲۷ ق، وفات کرده است. نظریه تعبیر «قدس الله روحه» در سند حدیث بالا، تاریخ نگارش رساله موضعه باید پس از ۴۲۷ ق، بوده باشد؛ تاریخی که به هیچ روی با بازه زمانی زندگانی حسن بن علی بن شعبه حرّانی همخوانی ندارد. بر این اساس، مؤلف کسی جز او است و انتساب کتاب به او نادرست است؛ جز آن که بگوییم فقره بالا بعدها به متن کتاب افزوده شده یا تصحیفی در متن آن رخ داده است.

۳. مسائل لأبی محمد الحسن بن شعبه الحرّانی

این اثر - که در ساختار کتب مسائل^{۷۲} تدوین شده - مشتمل بر سیزده پرسش و پاسخ میان مؤلف آن و استادش حسین بن حمدان خصیبی است. این پرسش‌ها جملگی بر محور رابطه میان «معنا و اسم» طرح شده‌اند.

معنا و اسم جایگاه خاصی در میان باورهای نصیری دارد. به عقیده ایشان، خدا ذات یگانه‌ای است که مرکب از سه اصل لایتجزی به نام‌های معنا، اسم و باب است. این تثلیث

۷۱. همان، ص ۱۸۴ - ۱۸۵. رفع حدیث با تعبیر «یرفعه الی» از اختصاصات حدیث شیعه است که از آن به «حدیث مرفوع» یاد می‌شود (در این باره رک: معجم مصطلحات الرجال والدرایة، ص ۱۵۶).

۷۲. کتب مسائل، گونه‌ای از آثار و متون اند مشتمل بر مجموعه سؤالاتی که شاگرد از شیخ خود از سراسر تفهیم حقیقی یا از سراسر امتحان به صورت کتبی یا شفاهی مطرح می‌کرده است. در سنت رسمی شیعه، بیشتر این کتاب‌ها، پرسش و پاسخ‌هایی هستند که مؤلف، خود، و یا به ندرت از راوی دیگری، از امام علیه السلام پرسیده و پاسخ آن را در مجموعه‌ای ثبت نموده است (رک: معجم مصطلحات الرجال والدرایة، ص ۱۵۶). این کتاب‌ها به منزله مجموعه استفتائات در زمان ما هستند.

به نوبت در وجود انبیا مجسم و متجلی شده است. آخرین تجسم با ظهور اسلام مصادف شد و آن ذات یگانه در تثلیث لایتجزایی در وجود علی، محمد و سلمان فارسی تجسم یافت. بدین سبب، تثلیث مزبور را با حروف «عمس» معرفی نمودند که اشاره به حرف اول سه اسم علی، محمد و سلمان است.^{۷۳}

پاسخ‌های حسین بن حمدان خصیبی به این پرسش‌ها بسیار کوتاه و موجز است؛ گرچه دقیقاً دانسته نیست که چرا خصیبی به طور خلاصه به سؤالات پاسخ گفته و حتی در مواردی نسبت به ارائه پاسخ بی تمایل بوده است. پاسخ احتمالی که فریدمن در این باره ارائه کرده، آن که شاید فرد پرسش‌گر در زمان طرح این سؤالات هنوز در مراحل اولیه شروع آشنایی با آموزه‌های مذهب نصیری بوده است.^{۷۴} از این رو، خصیبی از ارائه پاسخ‌های تفصیلی و عمیق پرهیز کرده است.

ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی (م ۴۲۶ یا ۴۲۷ ق) در دو اثر خود، کتاب *الرد علی المرتد*^{۷۵} و *تعلیقه بر الرسالة الرستباشیه خصیبی*، به این مجموعه استشهاد کرده است.^{۷۶} افزون بر این، پیش‌تر نیز گفتیم که طبرانی در چند جا نام ابو محمد حسن بن شعبة حرّانی را یاد کرده است که مواردی از آن، از همین اثر *مسائل ابن شعبة حرّانی* نقل شده است.^{۷۷} بدین ترتیب، تدوین چنین اثری در آن زمان تأیید و اصالت تاریخی و انتساب آن به ابو محمد حسن بن علی بن شعبة حرّانی قابل اثبات است.

۴. کتاب الإبتداء

حمزة بن علی بن شعبة حرّانی در جایی از کتاب *حجة العارف خود*، حدیثی را از حسن بن شعبة حرّانی نقل کرده است («قال أبو محمد الحسن بن شعبة الحرّانی - شرف الله مقامه - فی کتابه المعروف بحقائق أسرار الدین...»). پس از دو پاراگراف کوتاه، حدیثی دیگر از

۷۳. تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص ۱۸۵ - ۱۸۶.

74. Friedman, p. 265.

۷۵. ظاهراً این اثر امروزه در دسترس نیست. رک: Friedman, p. 279.

لویی ماسینیون بر این نظر بوده است که مقصود از «المرتد» در عنوان اثر، شخص ابن خلد یعنی ابو ذهبیه اسماعیل بن خالد (از پیروان اسحاقیه) است، که در این صورت این اثر را می‌توان ردیه‌ای بر اندیشه وی دانست. رک:

Massignon, no. 44 نیز رک: *مناهج الإسلامیین*، ص ۱۱۷۵، ش ۴۴.

۷۶. *مسائل*، مقدمه محققان، ص ۱۸۷.

۷۷. برای این موارد رک: *تعلیقه بر الرسالة الرستباشیه*، ص ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۲۹. برای این نقل قول‌ها در *مسائل ابن شعبة* به ترتیب رک: *مسائل*، ص ۱۸۸؛ *المسألة الرابعة*، ص ۱۹۰؛ *المسألة الثانية عشر*، ص ۱۹۰؛ *المسألة التاسعة*.

مؤلفی با کنیه همسان حسن بن شعبة آورده است («وقال أبو محمد في كتابه المعروف بكتاب الإبتداء...»)^{۷۸}. مشابهت کنیه دو مؤلف از یک سو و وجود نام یونس بن ظبیان در آغاز سند هر دو حدیث از سوی دیگر و هم چنین شباهت محتوای هر دو آنها را می توان شواهدی بر این امر دانست که مؤلف کتاب الإبتداء نیز شاید همان ابو محمد حسن بن شعبة حرّانی است.

این که حمزة بن علی حرّانی در یادکرد نام مؤلف کتاب الإبتداء به ذکر کنیه وی بسنده نموده است، با احتمال بالا قابل توجیه است. دانسته است که ابو محمد حسن بن علی بن شعبة حرّانی در میان نصیریان به ابو محمد بن شعبة الحرّانی نیز یاد شده است.^{۷۹} مؤید دیگر در این باره، عدم شهرت اثری با عنوان کتاب الإبتداء از مؤلفی با کنیه «ابو محمد» در ادبیات مکتوب نصیریان است.

بر اساس آنچه حمزة بن علی بن شعبة حرّانی از این اثر نقل کرده، می توان گفت که دست کم کتاب در بخشی از محتوای خود به مسأله خلقت جهان نور و مخلوقات آن پرداخته است. عبارت پرسشی یونس بن ظبیان از امام موسی کاظم علیه السلام در خصوص نخستین مخلوق الهی («ما أول ما خلق الله تعالى؟») پیوندی نزدیک با عنوان کتاب الإبتداء دارد؛ یعنی کتاب آغاز [خلقت].

به نظر می رسد که این نقل قول حدود دو صفحه از متن چاپ شده حجة العارف را شامل می شود:

وقال أبو محمد في كتابه المعروف بكتاب الإبتداء... و يمزقون في القشاش وفي الدررور خالدین.^{۸۰}

پس از عبارت استطرادی علی بن حمزة حرّانی که:

وقد وردت روايات كثيرة غير ما شرحناه ذكرها أبو محمد الحسن بن علی بن شعبة الحرّانی - رضی الله عنه - في مصنفاته و حکاها كما جاء و نقلها من سمعها منه.

دو باره نقل قول از این کتاب ادامه می یابد:

وهذه الرواية التي أوردناها أثبت في العدل وأوضح في حجة العقل... و مما يدل علی

۷۸. حجة العارف، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.

۷۹. همان، ص ۲۷۳؛ العلویون تاریخاً و مذهباً، ص ۳۰۱.

۸۰. حجة العارف، ص ۲۷۰ - ۲۷۲.

ذلک ما قاله جعفر بن محمد منه السلام وقد سأله بشار الشعیری..... وهذا خبراً حسن
مما أوردناه في كتاب حقائق أسرار الدين.^{۸۱}

عبارت اخیر - که «این حدیث، از آن چه در کتاب حقائق أسرار الدین آورده ام، بهتر است» - جالب توجه است. حدیث روایت شده از بشار شعیری، دال بر وجود ۲۱ دوره خلقت نوو تازه،^{۸۲} در هیچ یک از آثار در دسترس منسوب به حسن بن شعبه حرّانی وجود ندارد. این مطلب، انتساب کتاب الإبتداء به وی را - که علی بن جعفر حرّانی مطالبی را از آن نقل کرده - تقویت می کند.

نتیجه

از مجموع آن چه به تفصیل در متن این نوشتار آمد، می توان موارد زیر را نتیجه گرفت:

۱. کهن ترین دانسته های ما از ابو محمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی در سنت امامی از سده دهم هجری است؛ برخلاف آن چه از او در میان نصیریان دانسته است. بر اساس متون پیروان نصیری، قدیم ترین اطلاعات در دسترس از وی به اندک زمانی پس از او، یعنی در سده های چهارم و پنجم هجری بازمی گردد. حمزه بن علی بن شعبه حرّانی، عالم نصیری در کتاب خود، حجة العارف فی اثبات العدل علی المباین والمخالف (نگاشته در ربیع الأول سال ۴۰۸ ق) از ابن شعبه حرّانی نام برده و مطالبی را از آثارش نقل کرده است. ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی (م ۴۲۶ یا ۴۲۷ ق)، از عالمان شناخته شده نصیری، نیز در برخی آثار خود، از ابن شعبه حرّانی نام برده و مطالبی را از او بازگو کرده است.

۲. شواهد موجود از ذکر نام ابن شعبه حرّانی توسط عالمان نصیری، به ویژه حمزه بن علی بن شعبه حرّانی و ابوسعید میمون بن قاسم طبرانی، و نقل قول از آثار او، حیات وی در سده چهارم هجری و تعلقش به مذهب نصیری را تأیید می کند. به عبارت دیگر، آن چه در شرح حال وی در آثار عالمان امامی در باره بازه زمانی حیاتش در دست است، درست به نظر می رسد. از همین رهگذر، احتمال شاگردی او نزد ابوعلی محمد بن ابی بکر همّام بن سهیل اسکافی (۲۵۸ - ۳۳۶ ق) نیز افزایش می یابد. شواهد متعدد از سماع و نقل حدیث ابن شعبه

۸۱. همان، ص ۲۷۲.

۸۲. متن این حدیث چنین است: «وقد سأله [جعفر بن محمد] بشار الشعیری: يا مولاي! هل كان آدم قبل آدمنا، و عالم قبل عالمنا؟ قال: نعم، كان آدمٌ حتى عدّ واحداً وعشرين آدم. قال: و سأله أيضاً إذا حصل أهل الجنة في الجنة و أهل النار في النار هل يخلق الله خلقاً غيرهم؟ فقال: يا بشار! تريد أن تعطل ملكه؟ إن ربك لم يزل خالقاً بلا نهاية».

حزانی از ابن همام نیز در آثار وی قابل مشاهده است.

۳. از میان آثار، *حقائق أسرار الدین*، *رسالة موضحة و مسائل لأبی محمد الحسن بن شعبة الحزانی* - که در میراث نصیری به حسن بن علی بن شعبة حزانی منسوب است - دواثر *حقائق و مسائل* به دلیل وجود پاره‌ای شواهد و دلایل قابل دفاع است. با پذیرش انتساب این دو کتاب مهم به وی می‌توان او را جزو آن دسته از مؤلفان نصیری برشمرد که در دو قلمرو آثار ظاهرو باطن دست به تألیف زده است؛ *تحف العقول* مهم‌ترین اثر وی در حوزه معارف ظاهری دین، و کتاب *حقائق أسرار الدین* مهم‌ترین آن در قلمرو آموزه‌های باطنی. افزون بر کتاب‌های بالا می‌توان بنا بر برخی شواهد، اثر احتمالی دیگری را تحت عنوان کتاب *الإبتداء* به ابن شعبة حزانی نسبت داد که البته پرونده این مسأله هم چنان مفتوح است و نیازمند قرینه‌های بیشتر.

۴. پیوند حسن بن علی بن شعبة حزانی به علویان نصیری - که تألیف برخی آثار، به ویژه کتاب *حقائق أسرار الدین* و نیز توجه عالمان نصیری به وی و آثارش به روشنی بر این امر دلالت دارند - توجیه ناشناخته بودن وی برای عالمان متقدمی هم چون نجاشی و شیخ طوسی تا سده دهم هجری است. این احتمال می‌رود که در بازه زمانی حدود شش قرن از عصر مؤلف تا شهرت آن در سنت امامیه، *تحف العقول* در میان نصیریان متنی شناخته شده در قلمرو آموزه‌های ظاهری دین بوده است. بعدها در سده دهم هجری این اثر به دلیل پیوند نزدیکی که محتویات آن با باورها و مرویات امامیه داشت، وارد میراث امامیه شد. این شباهت محتوایی به نوبه خود موجب گردید تا شیخ ابراهیم قطیفی و همه عالمان پس از وی به اشتباه حسن بن شعبة حزانی را عالمی امامی قلمداد نمایند.

کتابنامه

- الإختصاص، محمد بن نعمان مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر، دوم، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م.
- *أعیان الشیعة*، سید محسن امین، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
- *أمل الأمل فی علماء جبل عامل*، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: سید احمد حسینی، بغداد: مکتبة الأندلس، بی تا.
- *بحار الأنوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.

- تاریخ شیعیه و فرقه های اسلام، محمد جواد مشکور، تهران: کتابفروشی اشراقی، ۱۳۶۲ ش.
- تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام، صدر، سید حسن، شركة النشر والطباعة العراقية، بی تا.
- تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن شعبه حرّانی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۶۹ م.
- تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن شعبه حرّانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.
- تعلیقه بر الرسالة الرستباشیة (چاپ شده در لایه لای عبارات الرسالة الرستباشیة)، ابو سعید میمون طبرانی، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، ج ۲، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، دوم، ۱۴۱۴ ق.
- التمهیص، محمد بن همام اسکافی، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، بی تا.
- تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
- الحاوی فی علوم الفتاوی، ابو سعید میمون طبرانی، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، ج ۳، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
- حجة العارف فی إثبات الحق علی المباین والمخالف، علی بن حمزة حرّانی، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعة الحرّانيين، ج ۴، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
- حقائق أسرار الدین، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعة الحرّانيين، حسن بن علی بن شعبه حرّانی، ج ۴، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
- خاتمة مستدرک الوسائل، حسین نوری طبرسی، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۵ ق.
- دراسات فی مکاسب المحرّمة، حسینعلی منتظری، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵ ق.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- رسالة موضحة حقائق الأسرار، حسن بن علی بن شعبه حرّانی، چاپ شده در سلسله التراث

- العلوى: مجموعة الحزانيين، ج ٤، تحقيق: ابو موسى و شيخ موسى، لبنان: دار لأجل المعرفة، ٢٠٠٦م.
- روضات الجنات فى أحوال العلماء والسادات، محمد باقر خوانسارى، تهران: اسماعيليان، ١٣٩٠ق.
- رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبد الله افندى اصفهانى، تحقيق: سيد احمد حسيني، قم: مطبعة الخيام، ١٤٠١ق.
- سلسلة التراث العلوى، ج ٤، تحقيق: ابو موسى و شيخ موسى، لبنان: دار لأجل المعرفة، ٢٠٠٦م.
- طبقات أعلام الشيعة، آقا بزرگ تهرانى، قم: مؤسسه اسماعيليان.
- الطريق إلى الله، حسين بن على بن صادق بحراني، تقديم: مهدي السماوي، قم: منشورات حرمين، ١٤٠٤ق.
- العلويون النصيريون، ابو موسى حريرى، چاپ شده در سلسلة «الحقيقة الصعبة» (٥)، بيروت: بي نا، ١٤٠٠ق / ١٩٨٠م.
- العلويون تاريخاً و مذهباً، اسد على عاصى، بيروت: دار المحجة البيضاء، اول، ١٤٣٢ق / ٢٠١١م.
- العلويون بين الأسطورة و الحقيقة، هاشم عثمان، بيروت: مؤسسة الأعلمی، ١٤٠٥ق / ١٩٨٥م.
- الغيبة، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: عباد الله طهرانى و شيخ على احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١١ق.
- فرق الشيعة، حسن بن موسى نوبختى، تحقيق: سيد محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المكتبة المرتضوية، ١٣٥٥ق.
- الفرقة الهامشية فى الإسلام، منصف بن عبد الجليل، تونس: مركز النشر الجامعى بتونس، ١٤١٩ق / ١٩٩٩م.
- فهرس مصادر الفرق الإسلامية، على اكبر ضيايى، بيروت: دار الروضة، ١٤١٢ق / ١٩٩٢م.
- فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى، احمد بن على نجاشى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٦ق.
- فهرست كتب الشيعة و أصولهم، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: سيد عبدالعزيز طباطبائى، قم: مكتبة العلامة الطباطبائى، ١٤٢٠ق.

- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق: علي اكبر غفاري، طهران: دارالكتب الإسلامية، چ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
- مجمع الأخبار، ابو صالح ديلمی، چاپ شده در سلسلة التراث العلوي، ج ۸، تحقيق: ابو موسى و شيخ موسى، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۸ م.
- مذاهب الإسلاميين، عبدالرحمن بدوي، بيروت: دار العلم للملايين، ۱۹۹۷ م.
- مسائل لأبي محمد الحسن بن شعبة الحرّاني، حسن بن علي بن شعبة حرّاني، چاپ شده در سلسلة التراث العلوي: مجموعة الحرّانيين، تحقيق: ابو موسى و شيخ موسى، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
- مستدرکات علم رجال الحديث، علي نمازي شاهرودي، تهران: ابن المؤلف، ۱۴۱۲ ق.
- معجم مصطلحات الرجال و الدرّاية، محمد رضا جديدي نژاد، قم: دار الحديث، دوم، ۱۴۲۴ ق / ۱۳۸۲ ش.
- مفاخر اسلام، علي دواني، تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامي، ۱۳۸۶ ش.
- المقالات و الفرق، سعد بن عبد الله اشعري قمي، تحقيق: محمد جواد مشكور، تهران: مركز انتشارات علمي و فرهنگي، ۱۳۶۱ ش.
- نهج البلاغة، تحقيق: صبحي صالح، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الوافية في تعيين الفرقة الناجية، ابراهيم قطيفي، بيروت: مؤسسة البقيع لإحياء التراث.
- الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصيبي، بيروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م.
- الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصيبي، تحقيق: شوقي حداد، بيروت: مؤسسة السراج للطباعة، بي تا.
- «بررسی اسناد كتاب اختصاص»، سيد محمد جواد شبيري زنجاني، مجموعه مقالات كنگره شيخ مفيد، ش ۹۲.
- «شيخ مفيد و كتاب اختصاص»، سيد محمد جواد شبيري زنجاني، مجموعه مقالات كنگره شيخ مفيد، ش ۹۲.
- Catafago, J., "Nouvelles mélanges", Journal Asiatique 4 (1876),
- Friedman, aron, T he Nu a rÐ-ÝAlawÐs: An Introduction to the Religion, History and Identity of the Leading Minority in Syria, Brill (Leiden Boston), 2010.
- Massignon, L., "Esquisse d'une bibliographie nusayrie", Opera Minora de Louis Massignon. vol. 1, Beirut 1963, pp. 640-649.
- Paoli, Bruno, "La diffusion de la doctrine nusayrie au IVe/Xe siècle d'après le KitÁb Íayr al-ÔanÐ'a du cheikh Íusayn MayhÜb HarfÜs,"